

حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم

حمید رئوفیان^۱

ابوالفضل حسن زاده محمدی^۲

چکیده

حمایت از شاهد، مجموعه‌ای اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روان‌شناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرآیند دادرسی به کار می‌بندد. اجرای این‌گونه برنامه‌ها که در جرایم سازمان‌یافته، تروریستی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی، رویه‌ای عادی در کشورهای جهان و دادگاه‌های بین‌المللی است، در سه قالب برنامه‌های حمایتی - امنیتی، حمایتی - روان‌شناختی و برنامه‌هایی در جهت مخفی ماندن هویت شهود صورت می‌گیرد. از طرف دیگر، امروزه حقوق دفاعی متهم به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر یک دادرسی عادلانه مطابق با اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و مقررات داخلی کشورها محسوب شده و

۱. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب فریدون‌شهر

۲. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

نمی‌توان آن را به هر بهانه‌ای محدود نمود؛ چه آن‌که این حق، میراثی است که جامعه‌ی بشری پس از تلاش فراوان، در پس قرن‌ها دادرسی به دست آورده است. در نگاه اول اجرای برخی از برنامه‌ها مانند مخفی ماندن هویت شهود و حمایت بیش از حد از وی در تعارض جدی با شماری از حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود و یا اصل تساوی سلاح‌ها در رسیدگی قرار می‌گیرد. امری که در عمل از طریق توسل به اقداماتی خاص می‌توان آن را به حداقل رسانیده و جهات دادرسی عادلانه را تا حدودی تضمین نمود.

واژگان کلیدی: برنامه‌های حمایتی، حقوق دفاعی متهم، شهود، جرایم سازمان‌یافته

۱. درآمد

شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی به شمار می‌روند؛ زیرا، در بسیاری موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه، بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه‌ی وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده‌اند، میسر نمی‌باشد؛ به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است. (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). در رسیدگی به جرایم، به ویژه در مورد جرایم سازمان‌یافته و تروریستی گسترده که عموم افراد جامعه را تهدید می‌نمایند، ضروری است تا شهود به نظام عدالت کیفری اعتماد کامل داشته باشند؛ باید به شاهد این اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدمات احتمالی وارده از ناحیه‌ی اعضای گروه بزهکار، حمایت و پشتیبانی خواهد شد. در نتیجه‌ی این حمایت‌ها، نه تنها میل و رغبت شاهد برای همکاری با دستگاه‌های پلیسی - قضایی تقویت می‌شود، بلکه در پس اثبات بسیاری از این جرایم، به حفظ حاکمیت قانون در جامعه نیز کمک بسیار می‌شود.

نخستین بار حمایت از شهود، در ایالات متحده آمریکا و در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی در قانون کنترل جرایم سازمان‌یافته مورد توجه قرار گرفت؛ پس از آن دامنه‌ی این برنامه‌ها به جرایم مربوط به مواد مخدر، باندهای خشن خیابانی و ... نیز تسری یافت.

پس از آن کشورهای دیگری چون فرانسه، انگلستان و آلمان نیز در زمینه‌ی حمایت از شهود برای کشف جرائم شدید، احساس نیاز کرده و قوانینی در این زمینه به تصویب رسانیدند.^۱

دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق در سال ۱۹۹۳ میلادی و دادگاه بین‌المللی رواندا در سال ۱۹۹۴ از جمله دادگاه‌هایی هستند که در طول تاریخ برای رسیدگی به جرائم مهمی تشکیل شده‌اند. در اساسنامه‌ی این دو دادگاه نیز موادی در جهت حمایت از شهود و قربانیان موجود می‌باشد.^۲ اساسنامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی

۱. برای نمونه بخش بیست و یکم از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ضمن مواد ۵۷-۷۰۶ تا ۶۳-۷۰۶ به این امر پرداخته است.

۲. برای نمونه در ماده‌ی ۲۲ اساسنامه‌ی تشکیل دادگاه یوگوسلاوی سابق به مخفی نگاه داشتن هویت شهود و رسیدگی غیرعلنی، در ماده‌ی ۶۵ این اساسنامه به در نظر داشتن امنیت شهود و بزه‌دیدگان در هنگام اعطای آزادی به متهم، در بند الف ماده‌ی ۷۵ به محرمانه نگاه داشتن اطلاعات مربوط به روند دادرسی و در بند ب همان

مصوب ۲۰۰۲ میلادی نیز در جهت حمایت از شهود متضمن برخی اقدامات است.^۱ در نظام حقوقی ایران نیز با تمسک به برخی مواد قانونی، می‌توان اقداماتی هر چند محدود^۲ را برای حمایت از انجام داد.^۳ با این وجود، باید توجه داشت که اجرای برخی از این برنامه‌ها به حقوق متهم، این میراث حقوقی و گرانبهای جامعه بشری، خدشهای اساسی وارد می‌نماید. برای نمونه مخفی ماندن هویت شاهد موجبات سقوط حق پرسش و جرح شاهد توسط متهم و خروج از دادرسی عادلانه را فراهم می‌آورد.^۴ پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود، این است که در مقام تعارض حقوق شاهد و متهم، کدام یک ارجح بوده و در اولویت قرار دارد؟ آیا با توسل به تدابیری می‌توان این گونه تعارضات را به حداقل رساند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آن تدابیر کدامند؟

نوشتار حاضر در مقام پاسخگویی به این گونه پرسش‌ها، در سه بخش برنامه‌های حمایتی حقوق در معرض خدشهای متهم و سرانجام چگونگی حل تعارضات تنظیم و بررسی شده است.

ماده از اساسنامه‌ی مذکور، به ادای شهادت از طریق تلویزیون مداربسته، صدای جایگزین و یا امکانات ویدئویی اشاره شده است.

۱. برای نمونه پاراگراف ۲ ماده‌ی ۶۹ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی به ادای شهادت به صورت شفاهی یا به صورت ضبط شده، در پاراگراف ۴ ماده‌ی ۴۶ و پاراگراف ۳ ماده‌ی ۱۵۴ این اساسنامه، به مجرمانه ماندن اطلاعات و جلوگیری از افشای هویت افراد و در قاعده‌ی ۱۷ آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان نیز به لزوم حمایت کافی، اقدامات حفاظتی و طرح‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در راستای حفظ امنیت شهود اشاره شده است.

۲. جهت بررسی بیشتر ر.ک: (باقری‌نژاد، شماره‌ی ۶۷، ۱۳۸۸)

۳. قانون‌گذار ایران در لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری که در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در جریان تصویب است، برخی مواد، در جهت ارتقای حمایت از شهود گام‌هایی را برداشته است از جمله: در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۶-۱۲۵ این لایحه به تحقیق از شهود از طریق وسایل ارتباط از راه دور نظیر تلفن، ویدئو کنفرانس یا ارتباطات رایانه‌ای اشاره شده است. در ماده‌ی ۳۹-۱۲۵ نیز تحقیق از شاکی، متهم و شهود و مطلعین غیرعلنی اعلام شده است. در ماده‌ی ۴۷-۱۲۵، به صراحت اشاره شده است: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی یا ضرر مالی نسبت به شاهد یا مطلع یا خانواده آنها وجود داشته باشد اما استماع اظهارات آنها ضروری باشد باز پرس به منظور حمایت از شاهد یا ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌نماید: الف) عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم. ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع. ج) فراهم ساختن امکان استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا یا وسایل ارتباط از راه دور.» در تبصره همین ماده آمده است که باز پرس تدابیر لازم مانند آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان شهود را اتخاذ می‌کند.

۴. در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۵-۱۲۵ لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری آمده است: «برنامه‌های حمایتی باید به گونه‌ای اجرا شود که در تعارض با حقوق متهمین قرار نگیرد.»

۲. ابعاد حمایت از شهود

اجرای برنامه‌های حمایتی در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به جرایم جنگی، تروریستی، موادمخدر و سازمان‌یافته و اثبات این‌گونه جرایم، امری انکارناپذیر است. امروزه بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، چنین ضرورتی را به فراست دریافته و در این راستا اقداماتی را نیز به سامان رسانیده‌اند.

با توجه به صبغه و فضای حاکم بر این برنامه‌ها، می‌توان آن‌ها را به برنامه‌های روان‌شناختی، امنیتی و برنامه‌هایی در جهت مخفی ماندن هویت شاهد تقسیم نمود؛ حسب مورد، این برنامه‌ها در مراحل پیش از دادرسی، در فرآیند دادرسی و پس از ختم آن به کار می‌روند.

۱-۲. برنامه‌های حمایتی - روان‌شناختی

از جمله اقداماتی که باید در راستای آماده کردن ذهنی شاهد برای حضور در دادگاه صورت گیرد، پشتیبانی روان‌شناختی از وی جهت به حداقل رسانیدن اضطراب ناشی از حضور در مرجع قضایی است. اضطراب ناشی از شرکت در یک محاکمه، به ویژه اگر در گذشته، فرد با دستگاه‌های پلیسی - قضایی در ارتباط نبوده و جرم نیز از جمله جرایم مهم باشد، موجب نگرانی وی شده و بر کیفیت شهادت او اثرات نامطلوبی بر جای می‌گذارد.

برای آماده کردن ذهنی شاهد جهت حضور در دادگاه دو روش متصور است؛ نخست آن‌که، مقامات دادگستری و یا نمایندگان دادستان پیش از حضور شاهد در دادگاه، جلسات منظمی با وی برگزار نمایند؛ این امر برای کاهش فشار روحی شاهد است؛ شیوه‌ی دیگر، تعیین وکیل معاضدتی برای شاهد، جهت آشنایی بیشتر وی با حقوق و تکالیف خود در هنگام حضور در مرجع قضایی است؛ این موضوعی است که در نظام حقوقی ایران بسیار غریب جلوه می‌نماید. (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰). به کارگیری این شیوه‌ها در ادای شهادت از سوی شهود نوجوان و یا زنان بسیار مؤثر است. امری که باید در تمامی مراحل رسیدگی به پرونده صورت گیرد، تا علاوه بر کاهش فشار روانی بر شاهد، وی با حقوق خود نیز آشنا گردد.

باید در نظر داشت که برای حفظ حقوق متهمان، این جلسات نباید شکل تبادل نظر، تمرین شهادت یا حتی راهنمایی شاهد پیش از محاکمه، به خود گیرد.

حتی می‌توان با توجه به شدت و نوع جرایم فشار و استرس روانی حاکم بر شاهد، نظر بر ورود پشتیبانِ روانشناس در جلسه دادگاه داشت؛ به‌گونه‌ای که، وی در هنگام ادای شهادت کمی عقب‌تر از شاهد نشسته و در صورتی که شاهد در شرایط روحی نامناسبی قرار گیرد، از رئیس دادگاه درخواست تجدید جلسه یا تنفس موقت نماید (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

این پشتیبانی و معاضدت از جمله اقداماتی است که به دلیل هزینه‌ی مصرفی نسبتاً اندک، در تمامی جرایم حتی جرایم کم‌اهمیت قابلیت اعمال دارد و با استفاده از آن، شاهد در آرامش خاطر به ادای شهادت خواهد پرداخت.

۲-۲. برنامه‌هایی در جهت مخفی ماندن هویت شاهد

گرچه در موارد استثنایی، آوازه و شهرت بین‌المللی شاهد یا تلاشی که رسانه‌ها انجام می‌دهند، نوعی حمایت از وی محسوب می‌گردد، اما اکثر محققان بین‌المللی بر این اعتقادند که بهترین راه حمایت از شاهد، سری بودن تحقیق و عدم افشای هویت وی است. (لوک والین، ۱۳۸۵، ص ۴۲).

حضور در مراجع قضایی در زمان ادای شهادت، بهترین فرصت برای گروه بزهکار است تا با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی در مقام انتقام برآیند. عدم افشای هویت شاهد افزون بر این که مستلزم فراهم آوردن امکانات گسترده نمی‌باشد، هزینه‌ی بسیار کمی را نیز بر دستگاه‌های حمایتی - حفاظتی تحمیل می‌نماید.

برای تحقق این هدف می‌توان جلسات دادرسی را در صورت حصول دیگر شرایط، به صورت غیرعلنی برگزار نمود. با این روش هویت شاهد فقط برای متهم نمایان شده و عموم افراد جامعه و گروه بزهکار از آن بی‌اطلاع خواهند ماند. حتی در جهت تحقق این هدف، می‌توان در هنگام ادای شهادت متهم را از دادگاه خارج نموده و پس از ادای شهادت و خروج شاهد از دادگاه، بار دیگر متهم را وارد جلسه رسیدگی نمود. استماع اظهارات شاهد پیش از محاکمه به جای ادای شهادت به هنگام محاکمه، از دیگر اقداماتی است که در جهت ناشناس ماندن هویت شاهد می‌توان انجام داد.

استفاده از اسامی مستعار در شهادت‌نامه، ادای شهادت بدون ذکر نام، ادای شهادت از پشت پرده یا حفاظ در جلسه‌ی دادگاه به صورتی که چهره‌ی شاهد توسط

متهمان قابل شناسایی نباشد، ادای شهادت از طریق تلویزیون مداربسته و ویدئو کنفرانس نیز از جمله اقداماتی است که می‌توان در جهت مخفی ماندن هویت شاهد انجام داد. افزون بر این، در خصوص شهودی که از طریق ویدئو کنفرانس به ادای شهادت می‌پردازند، می‌توان با استفاده از تجهیزات الکترونیکی از فنون تغییر چهره یا تغییر صدا استفاده نمود. در هر صورت باید توجه داشت که در مواردی که متهم، شاهد را می‌شناسد استفاده از وسائل مذکور ارزش چندانی نخواهد داشت؛ زیرا، متهم قادر است با توجه محتوای شهادت‌نامه، شاهد را شناسایی کرده و آن را در اختیار گروه خود قرار دهد (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، پیشین، ص ۵۷).

۲-۳. برنامه‌های حمایتی - امنیتی

همواره این امکان وجود دارد که شاهد در معرض تهدیدات شفاهی، ارباب، حمله به قصد آزار بدنی، تخریب اموال شخصی و سایر خطرات جسمی و روانی قرار گیرد. برای تأمین امنیت شاهد، دستگاه‌های پلیسی با نظارت مقامات قضایی برخی اقدامات فیزیکی انجام می‌دهند؛ «حفاظت از نزدیک» از جمله‌ی این اقدامات است. در این روش با توجه به اهمیت جرم، گشت‌های منظم پلیسی پیرامون منزل شاهد صورت می‌گیرد. این گشت‌ها حسب مورد به صورت کاملاً مشخص و نمایان و یا به نحو پنهانی و با لباس مبدل صورت می‌گیرد. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که تماس‌های پلیسی مشخص باید به حداقل برسد، زیرا، این امر علاوه بر برانگیختن حس کنجکاوی دیگران، سبب نمایان شدن هرچه بیشتر شاهد در میان عموم می‌شود.

کنترل ورودی‌ها و تماس‌های تلفنی به منزل شاهد، با رضایت وی، از دیگر اقداماتی است که در جهت حمایت از وی می‌توان انجام داد. زیرا، محموله‌های پستی و تماس‌های تلفنی، الکترونیکی و اینترنتی از جمله آسان‌ترین راه‌ها برای تهدید شاهد محسوب می‌شوند. در این میان امکان دارد تجهیزات تماس سریع نیز در اختیار شاهد قرار داده شود تا در صورت احساس کوچک‌ترین خطر، نیروهای پلیسی را آگاه نماید. برای برقراری امنیت هرچه بیشتر شاهد، باید امنیت محل زندگی وی را نیز افزایش داد. نصب درب‌های ایمنی مستحکم، نرده، آژیر و یا تخصیص شماره تلفن‌های

مجرمانه و یا حداقل تغییر شماره تلفن فرد، نصب امکانات الکترونیکی هشداردهنده یا استفاده از تلفن‌های همراه با شماره‌های اضطراری می‌تواند اقدام مؤثری در این زمینه باشد.

تغییر محل سکونت شاهد به صورت دائم یا موقت و به صورت اسکان در منزل یکی از خویشاوندان، اسکان در نزدیکی مراکز پلیس و یا اسکان در منزل جدید و در شهر دیگر به گونه‌ای که نیروهای پلیس به راحتی با وی در تماس باشند، می‌تواند شاهد را تا حدودی از تعرضات مصون بدارد (رئوفیان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰).

در راستای حفظ امنیت شاهد، همواره این امکان وجود دارد که نهاد متصدی حمایت از همکاران با دستگاه عدالت کیفری، به تغییر شغل شاهد و تعیین شغلی جدید برای وی معتقد باشد تا از این طریق گروه مجرمانه نتواند به ردیابی فرد حتی از طریق کوچکترین نشانه و سرنخ‌ها پردازد. در رویه‌ی بسیاری از کشورها برای عملی شدن این امر، به طور معمول شغل پایین‌تری در اختیار فرد قرار داده شده و ضرر و زیان ناشی از تغییر شغل توسط نهاد زیر نظر دادستان جبران می‌گردد. (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، پیشین، ص ۹۱).

صاحب‌نظران برخی شیوه‌های دیگر را نیز برای حمایت از شاهد ارائه داده‌اند؛ شیوه‌هایی مانند تغییر هویت، بدین معنی که فرد هویت جدیدی برای خود برمی‌گزیند و پیشینه‌ی کیفری سابق به هویت جدید به گونه‌ای انتقال می‌یابد که برای همگان قابل پیگیری نباشد. با برگزیدن هویت جدید، شغل و محل سکونت شاهد نیز به نحوی تغییر داده می‌شود تا از گزند آسیب‌های احتمالی در امان باشد.

شیوه‌هایی که از آن‌ها یاد شد، در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان در زمره‌ی روش‌هایی بسیار معمول در جهت حمایت از شهود و ترغیب آنان برای همکاری با دستگاه قضایی به شمار می‌آیند؛ به رغم آن که ممکن است در ابتدا ورود این نوع حمایت‌ها در حقوق ایران امری عجیب به نظر آید، اما همان گونه که پیشتر نیز گفته شد، قانونگذار ایران نیز ضرورت حمایت از شاهد را دریافته و برخی اقدامات را نیز در این راستا صورت داده است.

۳. حقوق در معرض خدشه‌ی متهمان

امروزه حقوق جزا به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوق عمومی

درآمده است؛ به گونه‌ای که، مقامات تعقیب در امر کیفری در برابر متهم قدرت بسیار یافته و امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمین‌های ویژه را دارا می‌باشند؛ این در حالی است که متهم از هیچ یک از این امکانات بهره‌مند نیست؛ (خزانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹)

برای تحقق دادرسی عادلانه، حقوقی برای متهم از جمله حاکمیت اصل برائت در حین دادرسی لحاظ شده است. این اصل در اسناد بین‌المللی، قوانین و رویه‌ی قضایی کشورهای مختلف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.^۱

اجرای کردن برنامه‌های حمایتی، آثار روانی ناخودآگاهی را برای هیأت رسیدگی‌کننده به همراه خواهد داشت. هر نوع اشاره‌ی ضمنی به خطرناک بودن متهم، به طور ناخودآگاه در قضاوت دادرسان و یا حداقل هیأت منصفه تأثیر گذاشته و به فرض برائت و بی‌گناهی متهم لطمه می‌رساند. برای مثال، در فرضی که نهادهای پشتیبان، برای حفظ امنیت جانی شاهد پرونده، حفاظت ویژه‌ای از وی بنمایند، برداشت اولیه‌ی ذهنی هر فردی، خطرناک بودن متهم مذکور بوده و در نتیجه با تسری این امر به ذهنیت هیأت رسیدگی‌کننده نیز، فرض مجرمیت، جایگزین فرض برائت می‌شود. افزون بر آن که، متهم در نتیجه‌ی حمایت از شاهد، مسؤولیت مضاعف اثبات بی‌گناهی خود و یا حداقل اثبات عدم وجود تهدید از جانب خود برای شاهد را نیز متحمل می‌شود.

از دیگر حقوق و اصولی که با اجرایی شدن برنامه‌های حمایت از شاهد در معرض تهدید قرار می‌گیرد، اصل رعایت دادرسی عادلانه و تساوی سلاح‌ها است؛ زیرا، اعمال محدودیت در حقوق متهم برای مواجهه با اشخاصی که به وی اتهام وارد نموده‌اند، نوعی جانبداری در محاکمه محسوب می‌شود؛ بدین ترتیب، عدالت در

۱. در حقوق موضوعه ایران، این امر در اصل سنی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و ماده‌ی ۱۲۷۵ قانون مدنی و ماده‌ی ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، است. با وجود آن که، مواد اخیر به اصل برائت در امور مدنی ناظر می‌باشند، اما از حیث مبنا با اصل برائت در امور کیفری مشترک‌اند. در قوانین دیگر نظام‌های حقوقی نیز می‌توان به پنجمین و ششمین متمم قانون اساسی آمریکا مصوب ۱۷۸۹، ماده‌ی ۱۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۱۷۸۹ و اصل بیست و هفتم قانون اساسی ایتالیا اشاره نمود؛ قانون اخیر اصل مذکور را تا هنگام قطعیت حکم تسری می‌دهد (شمس ناری، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸). پیمان آفریقایی حقوق بشر در ژوئن ۱۹۸۱ میلادی توسط دولت‌های عضو سازمان وحدت آفریقا پذیرفته شده، ماده‌ی ۱۱ اعلامیه حقوق بشر، بند ۲ ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نیز بر این اصل تصریح دارند.

فرآیند دادرسی نادیده گرفته می‌شود.

حق متهم به پرسش از گواهان، از جمله حقوق اساسی وی به شمار می‌رود. پرسش از گواهان موجب کشف بهتر حقیقت شده و دادرس را به سیستم دلائل معنوی رهنمون می‌سازد. در بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز این حق به تصریح شده است.^۱ محرومیت متهم از رویارویی با شهود و عدم امکان طرح پرسش از آنان، به حق متهم در تدارک دفاع موثر از خود لطمه می‌رساند. این در حالی است که ایجاد امکان پرسش متهم از شهود می‌تواند از انحراف آنان در بیان حقایق جلوگیری نموده و سبب تقویت سیستم دلائل معنوی در مقابل سیستم دلائل قانونی شود.

از دیگر حقوقی که برای طرفین دعوا در نظر گرفته شده است، حق جرح و تعدیل شاهد است. هنگامی که در راستای اجرایی کردن برنامه‌های حمایتی، چهره و هویت شاهد افشاء نمی‌شود، و متهم نیز از هویت وی بی‌اطلاع می‌ماند، این حق مخدوش می‌شود؛ زیرا، همواره این احتمال وجود دارد که متهم توانایی خدشه بر شرایط شاهد را داشته باشد، اما با مخفی ماندن هویت وی، این حق از او سلب می‌شود؛ حتی این امکان وجود دارد که شاهد در صحنه حادثه‌ی تحت بررسی حضور نداشته، اما برای انحراف دادرسی برای ادای شهادت حاضر شده باشد؛ با مخفی ماندن هویت شاهد، متهم امکان تعرض و ایراد را از دست خواهد داد.

از دیگر راهکارهای حمایت از شاهد، برگزاری جلسات به نحو غیرعلنی است؛ این در حالی است که برگزاری جلسات به صورت علنی از جمله حقوقی می‌باشد که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین موضوعه بسیاری از کشورها مورد تصریح قرار گرفته است.^۲ برگزاری جلسات به صورت غیرعلنی و برای جلوگیری از افشاء هویت شاهد و قربانیان، اصل مذکور را مورد خدشه قرار می‌دهد. افزون بر آن‌که، این احتمال وجود دارد که شاهد نیز فارغ از هرگونه استرس و فشار، خود را ملزم به راستگویی

۱. از این جمله است بند (ه) (۳) ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند (ی) (۲) ماده‌ی ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند (د) (۳) ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند (ه) (۴) ماده‌ی ۲۱ اساسنامه‌ی دادگاه یوگوسلاوی، بند (ه) (۴) ماده‌ی ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا و بند (ه) (۱) ماده‌ی ۶۷ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی (رحمدل، ۱۳۸۸، ص ۳۱۶). هم‌چنین مواد ۱۹۶ تا ۱۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز این حق را به رسمیت شناخته است.

۲. ماده‌ی ۱۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۷ ماده‌ی ۶۴ و بند ۱ ماده‌ی ۶۷ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی و نیز در ماده‌ی ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

ندانسته و بر خلاف واقع به ادای شهادت بپردازد.

برنامه‌های حمایت از شاهد، تمام موارد خطر فوق را در بردارد؛ این در حالی است که با اعمال برخی راهکارها می‌توان این آثار زیان‌بار را تا حدودی کاهش داد.

۴. چگونگی حل تعارض میان حقوق شاهد و متهم

همواره با اجرایی شدن راهکارهای حمایت از شاهد، امکان تعارض آن با حقوق بنیادین متهم وجود دارد؛ حقوقی چون حکومت اصل برائت. به رغم جایگاه این اصل در امور کیفری و حاکم بودن آن بر دیگر اصول و قواعد حقوق جزا، در موارد خاصی از اعمال آن عدول می‌شود. در بسیاری موارد، مبنای عدول از اصل برائت، همان مبنایی است که حاکمیت اصل برائت در امور کیفری را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، همان‌گونه که عدالت حقوقی اقتضا می‌کند در صورت نبود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد، در موارد که وجود قرائنی ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی تقدم اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت است (شمس ناتری، پیشین، ص ۲۹۱). در حقوق اسلام اماره‌های قضایی که از آن‌ها به «ظاهر حال» تعبیر می‌شود، بر اصل برائت مقدم نخواهند بود؛ مگر آن که این امارات یقین‌آور و یا دست‌کم اطمینان‌بخش باشند (محقق داماد، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶). عدول از این اصل هنگامی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره‌ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان‌آور است، در میان باشد. برنامه‌های حمایت از شاهد نیز، در صورت وجود ظن قوی به ارتکاب جرم توسط متهم و با توجه به مصلحت جامعه در کشف جرایم مهم، اجرایی می‌گردند. از آن جا که با اجرای این برنامه‌ها، احتمال به خطر افتادن ذهنی اصل برائت برای هیأت رسیدگی‌کننده مطرح است، قاضی مکلف است برای از بین بردن آثار روانی این برنامه‌ها بر هیأت منصفه به هیأت مذکور یادآور شود که اجرایی کردن این برنامه‌ها به معنی خطرناک بودن فرد متهم نمی‌باشد.^۱ قاضی و هیأت مذکور باید اصل برائت را همواره در ذهن مرور کرده

۱. ماده‌ی ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «پیش از اینکه دادگاه جنایی به کار خود پایان دهد و قبل از شروع مشاوره، رییس دادگاه دستورالعمل تعلیمی زیر را قرائت می‌کند؛ این دستورالعمل با حروف درشت در محلی از اتاق مشاوره که بیشتر به چشم می‌خورد، الصاق شده است، «... قانون از هیأت منصفه می‌خواهد که در کمال آرامش و با مراجعه به وجدان خود به این پرسش پاسخ دهند که اثر معقول ادله ارائه شده علیه متهم و آن چه او در مقام دفاع از خود به آن متوسل شده، چه بوده است. قانون فقط این پرسش را که در

تا تحت تأثیر افکار انحرافی قرار نگیرند.

از دیگر حقوق در معرض تهدید، حق متهم به شناسایی شاهد و پرسش از وی است، حقی که با برنامه‌های حمایت از شاهد در تعارض قرار می‌گیرد؛ در رویه‌ی بسیاری از کشورها، تلاش شده است در مرحله‌ی عمل و اجرا میان این دو حق توازن برقرار شود. در راستای تحقق این هدف باید همواره این شروط اساسی لحاظ شود: الف) علل محرمانه نگاه داشتن هویت شاهد در مراحل مختلف دادرسی مورد بررسی مجدد قرار گیرد و در صورت عدم توجه تهدید، از ادامه‌ی اجرای برنامه‌ها جلوگیری شود.

ب) باید به متهم اجازه داده شود تا هنگام ادای شهادت، به نحو مستقیم یا از طریق وکیل مدافع، به طور کتبی یا غیرکتبی از شاهد سؤالاتی بپرسد.
ج) برای استناد به شهادت شاهد تحت حمایت، باید اظهارات وی با سایر قرائن، دلایل و امارات مطابقت داشته باشد.^۱

در قوانین کشور فرانسه نیز هر چند در جرایمی که دارای حداقل مجازات سه سال حبس بوده و احتمال به خطر افتادن تمامیت جسمانی شاهد و یا خانواده‌ی وی مطرح است، پس از درخواست دادستان و اذن قاضی آزادی و بازداشت‌ها، با کتمان هویت شاهد موافقت شده است، اما در ماده‌ی ۶۰-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور مقرر گردیده: «در صورتی که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال مسلم قضیه و یا شخصیت شاهد، شناخت هویت شاهد برای اجرای حقوق دفاعی متهم ضروری باشد، مقررات مربوط به کتمان هویت، اجرایی نمی‌گردد.» هم‌چنین در ماده‌ی ۶۲-۷۰۶ از این قانون آمده است که «هیچ‌گونه محکومیتی را نمی‌توان صرفاً بر اساس اظهارات شاهد گمنام صادر نمود.» ضمن آن‌که، اظهارات شاهد باید با اوضاع و احوال مسلم قضیه و سایر قرائن و امارات نیز مطابقت داشته باشد.^۲

برگیرنده کل وظایف آنان است، مطرح می‌کند: آیا اعتقاد باطنی و اقناع وجدانی دارید؟»

۱. در رسیدگی به اتهامات داسکو تادیچ در دیوان بین‌المللی یوگوسلاوی سابق، درخواست ناشناس ماندن هویت کامل تعدادی از شهود مطرح شده توسط دادستان، به علت تعارض با حقوق متهم مذکور مورد اعتراض شدید قرار گرفت و از آن پس هیچ‌یک از دادگاه‌های بین‌المللی یوگوسلاوی سابق و رواندا جواز کتمان کامل هویت شهود را صادر ننمودند. رک: پرونده‌ی کلاسی IT-94-I-T به آدرس پایگاه الکترونیکی زیر:

www.un.org/icty/cases-e

۲. مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری کشور ژاپن اظهارات قبل از محاکمه تنها در صورت رضایت متهم، قابلیت استناد به عنوان شهادت را خواهد داشت. در غیر این صورت، شاهد باید در دادگاه حاضر شود. با این وجود، هر

می‌توان در عمل به گونه‌ای اقدام کرد که هویت شاهد محفوظ مانده و هم‌چنین سؤالات متهم مطرح شود. مانند استفاده از برخی امکانات ارتباطی چون ویدئو کنفرانس^۱ و یا تلویزیون‌های مداربسته. هم‌چنین می‌توان ترتیبی اتخاذ نمود که پس از استماع اظهارات شاهد، وی را از جلسه‌ی دادگاه خارج و متهم را وارد دادگاه نمود. با قرائت اظهارات شاهد برای متهم و سپس خروج وی از جلسه‌ی رسیدگی، پرسش‌ها و یا ایرادات مطرح شده از سوی وی از شاهد پرسیده می‌شود.

در فرض استماع شهادت پیش از تشکیل جلسه‌ی دادگاه نیز، به طور معمول فرصت کافی به متهم یا وکیل وی اعطا می‌شود تا موثق بودن اظهارات را بررسی و پذیرش آن توسط دادگاه را مورد چالش قرار دهد. هم‌چنین در مواردی که در راستای عدم شناسایی هویت شاهد، میان شاهد و متهم، مانع فیزیکی قرار داده می‌شود، این مانع باید به نحوی تعبیه که هیأت رسیدگی‌کننده بتوانند به راحتی حالات چهره و عکس‌العمل‌های شاهد را رؤیت و بررسی کنند.^۲

ایراد دیگری که بر مخفی ماندن هویت شاهد مترتب است، از بین رفتن حق جرح و تعدیل شاهد توسط متهم است. امری که در قوانین موضوعه انعکاس یافته^۳ و فقهای امامیه و به ویژه برخی فقهای معاصر بر آن تصریح دارند.^۴

گاه این علم برای دادرس حاصل شود که در این صورت، شهادت شاهد با شهادتی که در گذشته نزد دادستان ارائه نموده، به دلیل ترس و اضطراب تفاوت خواهد داشت، به رغم اعتراض متهم، مجاز به استماع شهادت قبل از شروع محاکمه می‌باشد. (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، پیشین، ص ۵۴)

۱. برای نمونه در پرونده‌ی کارمرا (karemera) دادگاه بین‌المللی به صراحت اعلام می‌دارد چنین گواهی به منافع عدالت نزدیک‌تر است و این نوع گواهی حقوق متهم را نقض نمی‌نماید؛ چراکه در ارتباط ویدئویی می‌توان با مشاهده حرکات، رفتار و نحوه‌ی بیان شاهد اعتبار گواهی را مورد سنجش قرار داد و حق پرسش متهم نیز حفظ می‌شود. جهت بررسی بیشتر ر.ک: (اسدی، ۱۳۸۸، ص ۲۰)

۲. در نظام حقوقی ایران رویارویی متهم با شاهد در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، فقط در صورت ضرورت، که تشخیص آن بر عهده‌ی دادرس است، امکان‌پذیر است. به بیان دیگر حقوق ایران اصل را بر عدم مواجهه‌ی این افراد در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی قرار داده است؛ مگر در صورت ضرورت و آن هم به تشخیص دادرس. از این رویه، در مرحله‌ی رسیدگی دادگاه، عدول شده است. به نحوی که در این مرحله دادگاه مکلف به ایجاد امکان طرح سؤال متهم از گواه می‌باشد. ر.ک: مواد ۱۵۱ و ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

۳. مواد ۱۶۸ تا ۱۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

۴. در این راستا، از برخی فقهای معاصر، این استفتاء به عمل آمده است که آیا در فقه امامیه، امکان مخفی کردن هویت شاهد در صورت وجود شرایط اضطراب وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ حق جرح و تعدیل شاهد چگونه رعایت می‌شود؟ آیت الله نوری همدانی امکان مخفی کردن هویت شاهد در موارد اضطراب را جایز دانسته و امکان استناد به چنین شهادتی را در صورتی که شرایط مورد نیاز شاهد در نظر قاضی محرز باشد، کافی

به نظر می‌رسد به استناد قاعده‌ی «الضرورات تبیح المحظورات» و ضرورت احقاق حق در جامعه‌ی مسلمین به عنوان یک اصل و مصلحت کلی، می‌توان به سقوط حق جرح و تعدیل شاهد توسط طرفین دعوی کیفری حکم دارد؛ با این وجود، به لحاظ ضرورت احراز شرایط مربوط به شاهد باید پیش از استماع شهادت، دادرسی برای احراز این امر تحقیقات کاملی صورت دهد تا حق جرح و تعدیل، به نوعی دیگر رعایت شود.

همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، از دیگر برنامه‌های حمایتی، برگزاری جلسات به نحو غیرعلنی است. هر چند این امر برخلاف اصل علنی بودن محاکمات است، اما اصل مذکور نیز دارای استثنائاتی بوده و هیچ‌گاه به صورت افسارگسیخته مورد تقنین قرار نگرفته است.^۱ هم‌چنان که در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز برگزاری تحقیقات مقدماتی به نحو غیرعلنی پیش‌بینی شده است.^۲ ضمن آن که در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه، نیز می‌توان با استناد به بند ۳ ماده‌ی ۱۸۸ همین قانون علنی شدن محاکمه را مخل امنیت شاهد دانسته و به غیرعلنی بودن رسیدگی حکم دارد؛ بر این اساس، در مواردی که برای امنیت شاهد با تهدیدی جدی مواجه است، برگزاری جلسات به صورت غیرعلنی و آن هم صورت محدود توجیه منطقی می‌یابد.

دانسته‌اند. یکی دیگر از ایشان امکان مخفی کردن هویت شاهد را در صورتی که در معرض جرح و تعدیل نباشد، جایز دانسته‌اند، هر چند معتقدند که جرح و تعدیل باید به گونه‌ای رعایت شود. هم‌چنین آیت‌الله علوی گرگانی بر این باورند که در فرض وجود خطر جانی یا امثال آن برای شاهد و عادل بودن وی در نظر قاضی، با سقوط حق جرح و تعدیل، امکان استناد به چنین شهادتی جایز است. (پاسخ استفتانات صورت گرفته در تاریخ‌های ۱۳۸۸/۱۲/۱ و ۱۳۸۸/۱۲/۳).

۱. برای نمونه ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر چند اصل را بر علنی بودن محاکمات قرار داده است، اما مقرر می‌دارد: «هرگاه رعایت اخلاق و یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، یا در مواقعی که منافع اطفال یا حفظ مسائل خصوصی خانوادگی اصحاب دعوی ایجاب نماید و یا در صورتی که امکان لطمه به منافع عدالت وجود داشته باشد و دادگاه نیز ضرورت آن را تشخیص دهد جلسات به صورت غیرعلنی در تمام مدت رسیدگی یا بخشی از آن برگزار می‌گردد.» ماده‌ی ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز چنین است «رسیدگی کیفری علنی است مگر هنگامی که منافع عدالت در معرض خطر باشد.»

۲. ماده‌ی ۱۵۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

۴. برآمد

شهود به علت همکاری با دستگاه عدالت کیفری و تهدید منافع گروه مجرمانه، همواره در معرض خطر بوده و نیازمند حمایت دستگاه‌های مربوط می‌باشند. در این راستا در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان برخی راهکارهای حسب مورد، مالی امنیتی، روان‌شناختی و هویتی اجرا می‌شود. به رغم آن‌که، حمایت‌های روان‌شناختی امنیتی از شاهد، موجبات از بین رفتن اصل بی‌طرفی و تساوی سلاح‌ها را فراهم آورده و اعطای ارزش بیش از حد به شهادت شاهد را موجب می‌شود، باید توجه داشت که اصول مذکور همواره دارای استثنائاتی بوده و این امر نیز می‌تواند در زمره‌ی این استثنائات به شمار آید؛ اهمیت کشف جرایم سازمان‌یافته، فراملی و تروریستی ایجاب می‌نماید تا شهادت در پرونده‌های مذکور نیز، به حق، واجد اهمیت دانسته شده و برای جلوگیری از تکرار و استمرار این اعمال مجرمانه، بیشترین حمایت از ادله‌ی اثبات جرم به عمل آید.

از میان این‌گونه برنامه‌ها، برنامه‌های حمایتی هویتی، بیشتر از دیگر راهکارها حقوق دفاعی متهم مانند حق پرسش از گواهان، جرح شهود و حاکمیت اصل برائت را با خدشه مواجه می‌سازد.

به رغم آن‌که، در ابتدا و در عالم تئوری این تعارضات تا حد بسیار بروز می‌یابد؛ اما در عمل از طریق توسل به راهکارهای تعدیلی می‌توان تا حد امکان، چنین تعارضاتی را به حداقل رسانید. راهکارهایی مانند برقراری ارتباط از طریق ویدئو کنفرانس، ارائه‌ی شهادت از پشت حائل فیزیکی تعبیه شده میان متهم و شاهد، ارائه‌ی شهادت با تغییر صدا و یا چهره‌ی مبدل، نیز قائل شدن حق جرح شاهد برای وکیل متهم.

افزون بر آن‌که، متولیان اجرای این برنامه‌ها همواره باید حقوق متهم را در نظر داشته و صرفاً در مواردی که بر گفتار شاهد و تهدید جدی وی از سوی گروه بزهکار قطع و یقین دارند و امکان توسل به اقدامات حمایتی دیگر برای ایشان فراهم نباشد، این راهکارها را اجرایی نمایند.

فهرست منابع:

- ۱- اسدی، لیلا سادات، مقاله حفظ امنیت و هویت بزه‌دیدگان و گواهان در دادرسی‌های بین‌المللی، تازه‌های علوم جنایی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲- آشوری، محمد، عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳- آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
- ۴- باقری‌نژاد، زینب، حمایت از شهود در حقوق ایران و فرانسه، مجله‌ی حقوقی دادگستری، ۱۳۸۹.
- ۵- پرویزی‌فرد، آیت‌اله، حمایت از شهود در قوانین کیفری و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- ۶- خالقی، علی، جستارهایی از حقوق بین‌الملل، شهردانش، تهران، ۱۳۸۸.
- ۷- خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.
- ۸- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم سازمان یافته، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، ۱۳۸۸.
- ۹- رئوفیان نائینی، حمید، شاهد در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی، ۱۳۸۹.
- ۱۰- رحمدل، منصور، «مقاله دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران»، تازه‌های علوم جنایی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۱- گرکاو، سام؛ مترجم: فرهمندفر، حیدر، «بزه‌دیدگان در دادگاه کیفری بین‌المللی»، مجله‌ی تعالی حقوق، شماره‌ی سوم، ۱۳۸۸.
- ۱۲- شمس ناتری، محمدابراهیم، «اصل برائت و موارد عدول از آن در امور کیفری»، تازه‌های علوم جنایی، سمت، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۳- لوک والین، مترجم: حبیب زاده، توکل؛ جعفری، مجتبی، «قربانیان و شهود در حقوق بین‌الملل از حق حمایت تا حق بیان»، مجله‌ی حقوقی، نشریه‌ی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره‌ی ۳۴، ۱۳۸۵.
- ۱۴- محقق داماد، مصطفی، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.

- ۱۵- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۶- ، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستری، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۷- مترجم: تدین، عباس، آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.